

صیانت از شأن اجتماعی و نقش والدینی جوانان و بنیان خانواده در عصر حاضر

امین فتحی*

استادیار، رشته، قرآن و حدیث گروه، معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

amin.fathi45@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۵/۲۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۱/۲۹]

چکیده

هدف از انجام این پژوهش تبیین علل فروکاستشان اجتماعی و نقش والدینی جوانان است. روش این پژوهش، توصیفی بوده و نوع جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی بر شخصیت جنین، پنجاه درصد از مادر و ۲۵ درصد از پدر تأثیر پذیرفته و والدین حامل بذر زامه و مامه فرزندان هستند. لذا صیانت - کمی و کیفی - از این بذرها وظیفه عقلانی و انسانی افراد و حاکمیت سیاسی است. تا نسلی پاک و سالم و جامعه‌ای مطلوب به وجود بیاید. از طرفی امروزه اوج حکومت ابلیس، سلب مشروعیت از اموال و اولاد، با ایجاد بستر غذای حرام و شبهه‌ناک و با دامن زدن به موضوع اختلاط بین زن و مرد؛ و نابودی انسان تحت عنوان سقط جنین می‌باشد. در نتیجه خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس زدایی از نهاد خانواده و تنزل شأن اجتماعی زن و مرد و نقش پدری و مادری جوانان است. لذا اصلاح راهبردهای بینشی، گرایشی و کنشی و سبک زندگی؛ و فروکاست تأثیرات فرهنگ اومانستی و فمنیستی؛ و کاربست پیشنهادات کاربردی؛ موجب افزایش ازدواج جوانان و بهبود وضعیت خانواده‌ها و فراگیر شدن عفت عمومی می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج، جوانان، شأن زن و مرد، خانواده، عفت.

۱- مقدمه

تاریخ مکتوب بشر نشان می‌دهد که ازدواج و خانواده، جزء نهادهای جهان‌شمول بوده (بستان، ۱۳۹۶) و در میان تمام جوامع و ادوار وجود داشته و با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است (سالاری‌فر، ۱۳۹۶). به‌طوری‌که نهادی مستمرتر و مداوم‌تر از خانواده وجود ندارد. پژوهش‌های بسیاری، نشان می‌دهد که خانواده و ازدواج همچنان به‌صورت بی‌بدیل، سالم‌ترین و کاراترین نهادهای تضمین‌کننده زندگی سالم و تولید و پرورش نسل بوده و مدرسه، مددکار اجتماعی و هرگونه اقدامات آموزشی و تربیتی نمی‌توانند خلاء مهر و عطوفت مادرانه و تکیه‌گاه پدرانه را برای کودکان پر کنند. با این وصف، نهاد خانواده در تعامل با سایر نهادهای اجتماعی، روابط اعضای خانواده را دگرگون می‌کند و کارکردهای آن را به چالش می‌کشد (ضمیری، ۱۳۸۵). اما تمدن غرب به رهبری آمریکا؛ که در سده‌های اخیر در کسب ثروت، علم و فناوری پیشتاز بوده، کفه ترازوی ثروت و آزادی را بسیار سنگین‌تر از کفه خانواده گرفته و نهاد خانواده را در معرض گسست قرار داده است. لذا، افول ازدواج، آسانی و وفور طلاق، ولادت نیمی از نوزادان در بیرون از کانون خانواده، افزایش خانوادگی‌های تک سرپرست، بحران هم‌جنس‌گرایی، پدیده همخانگی و غیره (سمیعی، ۱۳۹۴). افزایش اختلالات روانی، اضطراب و افسردگی‌ها، با تبعات شوم تربیتی همه این مسائل، از جمله عوارض نادیده انگاشتن اهمیت خانواده می‌باشد؛ و از طرفی، نگاه تک‌بعدی به مدرنیته و جهانی‌شدن و تقلید کورکورانه با نگاه ایدئولوژیک به تمدن غرب به سبب سیاست‌های سلطه‌گرایانه، همراه با تهاجم سنگین فرهنگی، سیاسی و اجتماعی غرب؛ سرعت پذیرش الگوهای غربی را افزایش داده و جامعه ما را نیز در معرض مشکلات و بحران‌های یاد شده قرار داده است.

خانواده، علاوه بر مهد پیدایش و پرورش انسان‌ها، مکانی برای سکونت و امنیت آن‌هاست، در حال حاضر، خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از کانون خانواده و تنزل شأن اجتماعی زن و مرد و نقش والدینی جوانان است. خداوند، متعال، حکمت ازدواج و تشکیل خانواده را آرامش روانی معرفی می‌کند و پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهند که اضطراب روانی و عدم تعادل روحی، نقش عمده‌ای در فسادهای اخلاقی و اجتماعی جهان دارد. هدف، تبیین راهکارهای صیانت از خانواده و بررسی مهم‌ترین عوامل و دلایل تضعیف این نهاد؛ و تأکید بر اهتمام بیشتر به مسئله ازدواج است، روش این پژوهش، توصیفی بوده و نوع جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها کتابخانه‌ای می‌باشد. کتاب‌ها و پژوهش‌های مفید و مختلفی در زمینه خانواده منتشر شده است؛ اما هر کدام از آن‌ها معطوف به مشکلات درونی خانواده‌ها و یا آسیب‌های فضای مجازی می‌باشد. کتاب خانواده در بحران (سمیعی، ۱۳۹۴). در ارتباط با بخشی از موضوع پژوهش بوده و با تشریح وضعیت بحرانی و عوامل فروپاشی خانواده در غرب، درصد یادکرد استفاده از نتایج تجربه تلخ آنان است. لذا خانواده به‌عنوان سلول جامعه، همواره باید از آسیب‌ها پاسداری شود. چون سلامت و تداوم نسل بشری وابسته به نهاد خانواده بوده و سلامت و تداوم خانواده‌ها در گرو پایداری و فراگیر شدن عفت در جامعه می‌باشد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

نهاد اجتماعی عبارت است از شبکه روابط اجتماعی پایداری که برای برآورده شدن یک نیاز اساسی بشر شکل گرفته باشد (ضمیری، ۱۳۸۵). خانواده در فرهنگ‌های لغت فارسی، به معنای اعقاب، اهل بیت، تبار، تیره، خاندان، دودمان، سلاله، طایفه، فامیل به کار رفته است (عمید، ۱۳۷۹) و در اصطلاح به معنای مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند (معین، ۱۳۸۶). خانواده به‌منزله یک واحد اجتماعی از نخستین نظام‌های نهادهای عمومی و جهانی است که برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه‌ی نهادهای اجتماعی طبیعی‌تر و خودی‌تر است (شرفی، ۱۳۸۹). خانواده نعمتی از نعمت‌های پروردگار است که از جنس بشر برای انسان همسر و فرزندانی قرار داده است. گرچه خانواده‌هایی هستند که خداوند فرزندی به آن‌ها عطا نکرده است (شوری: ۴۹ و ۵۰).

«زوجیت»، نشانه مخلوقیت و نیازمندی انسان است. خداوند متعال با رحمت و حکمتش، آدمی را به صورت مرد و زن زوج هم قرارداد؛ تا با توجه به نیازهای روحی، عاطفی، غریزی که دارند، مکمل یکدیگر باشند و برای گوارایی زندگی در کنار هم به آرامش برسند. تنها شیوه‌ای که هر یک از زن و مرد می‌توانند همدیگر را به بهترین وجه، تکمیل کرده و پاسخ مناسب بدهند، ازدواج است. از این رو، در نزد خدای متعال، بهترین و محبوب‌ترین بنیان و سازه که دربردارنده شرط اساسی سعادت بشر باشد، ازدواج و تشکیل نهاد خانواده می‌باشد. با اجرای صیغه‌ی عقد و قبول پیمان ازدواج، دختر و پسر دیروز، زن و شوهر امروز و پدر و مادر فردا می‌شوند. خانواده‌ی جدیدی شکل گرفته و سلول تازه‌ای در پیکر جامعه می‌روید.

هدف از تشکیل و تداوم خانواده را به طور اجمال می‌توان ۱. تحقق جامعه سالم، ۲. تداوم نسل بشری (نساء، ۱). ۳. تأمین نیازهای فطری و غریزی (احزاب، ۳۷)، ۴. انس و آرامش و ابراز دوستی و مهربانی (روم: ۲۱). ۵. تربیت اجتماعی نسل، ۶. حراست دین و ایمان (کلینی، ۱۴۰۷)، ۷. رشد و بالندگی ۸. عزت و جمال اجتماعی (نحل: ۷۲). ۹. ایجاد پیوند خویشاوندی (فرقان، ۵۴). ۱۰. صیانت از بروز شهوات در ارتباطات اجتماعی و ناملايمات زندگی (بقره، ۱۸۷). ۱۱. امنیت جامعه. ۱۲. داشتن فرزندان صالح، ۱۳. سرمایه زندگی فردا (بقره، ۲۲۳). ۱۴. تربیت فرزندان صالح و انسان‌های سالم، دانست. «امام رضا علیه السلام فرمود: اگر درباره ازدواج، آیه‌ای روشن و سستی پیروی شده و اخبار فراوان نبود، بی‌گمان نیکی کردن به خویشاوند و نزدیک ساختن افراد دور و الفت بخشیدن میان دل‌ها و درهم تنیدن حقوق و افزودن بر جمعیت و اندوختن فرزند برای سختی‌های زمانه؛ کافی بود که خردمند دانا، به این کار رغبت نماید و انسان درست‌اندیش، به آن بشتابد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹). پدر و مادر نقش مؤثر در سرنوشت بچه دارند نه در حد علت تامه، بلکه پدر و مادر خوب و آگاه به وظایف و صاحب مهارت‌های ارتباطی و تربیتی، زمینه‌ساز سعادت فرزندان‌اند.

کارکرد خانواده، تأمین نیازها و تمایلات غریزی، عاطفی، فطری و میل به بقا و تداوم نسل و تولیدمثل، محبت به فرزند بر اساس شریعت خدای آگاه به اسرار آفرینش و دانای امور، می‌باشد. پس تولد جسمی و روح انسانیت، دو کارکرد اصلی خانواده از دیدگاه مکتب الهی اسلام است. لذا باید به منظور تعالی خانواده کوشش‌های بسیاری انجام داده و زمینه‌ای برای رشد روحی، فکری و اخلاقی زن و مرد فراهم شود و هر دو آگاهانه و مسئولانه فرزندان را بر مدار تربیت الهی و خوی انسانی آموزش و پرورش دهند (سویزی، ۱۳۸۷). بدیهی است که صلابت و تعالی هر جامعه در گرو سلامت و تعالی خانواده است و در صورت وجود هرگونه آسیب در خانواده و تزلزل و فروپاشی آن، هیچ نهاد اجتماعی قادر به جایگزینی آن نیست. سلامت هر جامعه از ارتباط صمیمانه و متعهدانه زن و مرد در نقش همسری و والدینی نشأت می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۹).

۲-۱- بحث و بررسی

الف - اصلاح پیش‌ها

۱. خانواده، سلول و ماده اصلی جامعه

از نگاه دینی، جامعه از دو عنصر «ماده»، یعنی خانواده و «صورت»؛ یعنی همکاری و روابط اجتماعی بین خانواده‌ها؛ تشکیل می‌شود؛ لذا برای داشتن جامعه سالم و بی‌نقص، استحکام خانواده و اتقان و تعمیق ارتباطات اجتماعی ضرورت دارد؛ وگرنه جامعه سست و متزلزل خواهد بود (صدر، ۱۳۹۹).

۲. خانواده، بنیان جامعه

خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که نقش بالنده و اساسی در تکوین جامعه دارد و زمینه ساختارهای هویتی و عاطفی جامعه‌ی فردا را مهیا می‌کند. خانواده با التزام عملی به اصول اعتقادی خویش، زمینه‌ساز جامعه کلان فرداست (نصوری، ۱۳۹۶). بر محوریت خانواده در جامعه همین بس که هیچ آسیب اجتماعی را بدون توجه به خانواده نمی‌توان بررسی کرد. حتی سنگ بنای دموکراسی را باید در خانواده جستجو کرد (ساروخانی، ۱۳۹۸). هر پژوهش در حوزه آسیب‌شناسی باید از خانواده آغاز شود. چراکه سازنده‌ترین

واحد اجتماع بوده و اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. لذا دین مبین اسلام همواره بر اهمیت تشکیل خانواده و سلامت آن، تأکید داشته است.

۳. خانواده بنیانی بی‌بدیل

بر اساس پژوهش‌های بسیاری که از اواخر قرن بیستم در حال انتشار است، نشان می‌دهد که خانواده و ازدواج همچنان به صورت بی‌بدیل، سالم‌ترین و کاراترین نهادهای تضمین‌کننده زندگی سالم و تولید و پرورش نسل بوده و مدرسه، مددکار اجتماعی و هرگونه اقدامات آموزشی و تربیتی نمی‌توانند خلاء مهر و عطوفت مادرانه و تکیه‌گاه پدرانه را برای کودکان پرکنند؛ بنابراین هیچ جایگزین و هم‌طرزی برای آنان وجود ندارد (سمیعی، ۱۳۹۴). لذا انسجام جامعه درگرو «سلامت و تعالی خانواده بوده و در صورت وجود هرگونه آسیب و زلزله و فروپاشی آن، هیچ نهاد یا سازمان اجتماعی قادر به جایگزینی آن نیست» (ابراهیمی، ۱۳۹۹).

۴. تفاوت‌های بین زن و مرد

زن و مرد که در آدمیت، انسانیت، اسلام و ایمان، هر دو به‌طور یکسان مورد خطابات قرآنی قرار گرفته‌اند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (حجرات، ۱۳). «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق، ۶). «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ». (احزاب، ۳۵)؛ و هیچ‌یک بر دیگری برتری ندارد؛ مگر به تقوی (حجرات، ۱۳). علاوه بر نقاط اشتراک، نقاط افتراقی هم دارند؛ تفاوت در استعدادها و شایستگی‌ها، نقطه مثبتی در جامعه و درکل نظام هستی به شمار می‌رود (صدر، ۱۳۹۹). حکمت الهی این گوهر ملکوتی را در دو صدف زمینی با پیکره‌های متفاوت و نیازمند به یکدیگر جای داده است. اسلام مرد را قوام (نساء، ۳۴)؛ و زن را ریحانه (مجلسی، ۱۳۸۵). می‌داند. این نادیده گرفتن حق زن و مرد نیست؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آن‌هاست. لطافت، زیبایی، عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی در زن و مدیریت، کارکرد، محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن در مرد، با هم دیده شود، این دو کفه برابر می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸). لذا مسئولیت تحکیم خانواده بر عهده زن و مسئولیت تقویت استحکام جامعه به مرد محول شده است (صدر، ۱۳۹۹). پس زن و مرد از لحاظ جسمی و روانی (غلامی، ۱۳۸۸) و بخصوص در بنیان‌های روانی و سطح و عمق تفاوت‌هایی دارند (حبشی، ۱۴۰۰).

۵. تفاوت در نقش‌ها و مسئولیت‌ها

پدر راه زندگی و مادر چراغ راه است. از نگاه دینی خلقت انسان‌ها از نفس واحده بوده سپس به صورت زن و مرد وارد زندگی زمینی شده‌اند (نساء، ۱)؛ و به سبب وجود تفاوت‌های جسمی و روانی بین زن و مرد، نقش‌ها و مسئولیت‌هایشان نیز مختلف است؛ و متناسب با این تفاوت‌ها، از حق و تکلیف فردی و اجتماعی متفاوتی برخوردارند؛ یعنی شأن و وظایف خانوادگی و اجتماعی هریکی، به اقتضای طبیعتشان است. شأن مرد در زندگی مدیریت؛ و شأن زن مداریت است؛ و به تعبیری دیگر، شأن زن خانوادگی - اجتماعی و شأن مرد، اجتماعی - خانوادگی است. حق واقعی آن است که منشأ طبیعی داشته باشد. این حقوقی که در بعضی محافل تعریف می‌شود، بر اساس توهمات و خیالات است. حقوق زن و مرد، باید متکی به طبیعت و قواره و ساخت زن و مرد باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

بر اساس برخی از پژوهش‌ها، تفاوت‌های روانی زن و مرد بیشتر در حوزه شخصیتی، نحوه رویارویی با مشکلات و تنش‌ها. هیجان‌پذیری و عواطف می‌باشد، لذا شخصیت مرد استقلال محوری و هویت زن، حمایت و مراقبت طلبی از دیگران است. مردان با تمرکز قوی در برخورد با تنش‌ها، کم‌توجه بر مسائل پیرامونی بوده؛ اما زنان برعکس‌اند. زنان هیجانی‌تر بوده - طبق نظر روان‌پزشکان، هیجان‌ات با کاهش قوت حافظه افراد، رابطه مستقیم دارد - و عاطفه‌ای خروشان، روحی لطیف و پراحساس دارند (حاتمی، ۱۳۸۸) و در یک‌زمان حواس خود را به چند موضوع معطوف کرده و توانایی خود را در تعیین اولویت امور به سرعت از دست می‌دهند؛ لذا، تحمل مسئولیت‌های سنگین، آثار روانی نامطلوبی برایشان می‌گذارد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۱).

ب - اصلاح گرایش‌ها

۱- حفظ کرامت انسانی

رشد و شکوه انسانی، در سایه تربیت صحیح خانوادگی و اجتماعی بوده و تکریم، بستر تربیت می‌باشد؛ انسان بر اساس کرامت الهی خلق شده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)؛ و در حضور اجتماعی زن و مرد و تعامل بین آن‌ها نیز، حفظ کرامت انسانی، از معیارهای مهم است، یعنی نمی‌توان به شکلی در جامعه ظاهر شد که توجه همه را به سمت خود جلب نموده و تابلو شد؛ و حرمت تبرج (خودنمایی جنسیتی) و لباس شهرت (خودنمایی) نیز از این جهت است؛ گرچه هر شخصی اختیار خودش را دارد؛ اما حق ندارد حرمت انسانی خویش را لکه‌دار نموده و در معرض نظر و تمسخر دیگران قرار دهد. تا چه رسد که شأن خود و جامعه را در حد بروز تمایلات غریزی تنزل دهد.

۲- صیانت از شأن و کرامت جوانان

بر اساس متون صحیح دینی و با نگرشی مبتنی بر واقعیت‌های میدانی، «جوانی آغاز دوران تکلیف و مسئولیت‌پذیری بوده و جوانان؛ صاحب ضمیری پذیرا و مستعد، روحی لطیف، دلی نرم و حقیقت‌طلب و معنویت‌گرا، با روحیه استقلال‌طلبی و مشارکت‌جویی و درعین حال دارای تنش‌های روانی؛ به خاطر تغییرات هورمونی و فشارهای غریزی می‌باشند. گرچه این ویژگی تا حدی طبیعی بوده و نباید این شعله را خاموش نمود؛ که به ضعف و خمودی جوانان منجر شود؛ اما می‌بایست عاقلانه و هدفمند، کنترل و هدایت شود» (حاجی ده‌آبادی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۱). دختر و پسر به‌عنوان فرزندان امروز جامعه؛ علاوه بر جایگاه اجتماعی کنونی‌شان، پدر و مادر آینده نسل‌اند، لذا باید مسائل آنان با اولویت و به‌دقت، مطالعه و بررسی شده و برای حل مشکلات و چالش‌های آنان، مدبرانه اقدام شود؛ و حرمت حال و آینده آن‌ها از امروز رعایت و صیانت شود؛ تا بتوانند پدر و مادر خوب و متعادلی برای فردای جامعه باشند. چراکه توانایی‌های جوانان بیشتر از دیگران بوده و به‌راحتی می‌تواند در برابر سختی‌ها و مشکلات ایستاده و در برابر عوامل و سوسه‌انگیز مقاومت کند (صدر، ۱۳۹۹).

۳- حفاظت از شأن مادری زن

کلمه ام، به معنای ریشه و سرچشمه است، چون کودک، از شش تا نه ماه در رحم مادر است و با تمام قوا، از مادر و میوه‌ای از آن شجره مبارکه است. مدت اقامت نطفه در صلب پدر، بسیار اندک، ولی در رحم مادر نزدیک به دو‌یست و هفتاد روز است. لذا اغلب گیرندگی و اثرپذیری او از مادر بوده و در اکثر اطوار و برنامه‌های حیاتش بر طینت مادر می‌باشد (انصاریان، ۱۳۸۰). به‌طوری‌که پروسه تشکیل شخصیت فرزند، ۲۵٪ از وراثت (از پدر و مادر)، ۲۵٪ از بطن و رحم مادر، ۲۵٪ از شیر و لقمه مادر می‌باشد (باهر، ۱۳۸۳). دختران و پسران جامعه، از مادران الگو می‌گیرند؛ الگوها بمانند وسیله سنجش‌اند؛ که بدون آن زندگی دچار رنج و خسران خواهد شد. مادر برای کودک اولین پنجره رو به دنیاست؛ بر پایه شخصیت زن است که بینش و عواطف اصیل کودک شکل گرفته و باایمان به الگوهای آرمانی و با یافتن خود در جامعه رشد می‌کند. کودک، سخت‌نیازمند آن است که تجلی خدا را ابتدا در مادر، سپس در پدر و آنگاه در آموزگار و دیگران ببیند (صدر، ۱۳۹۹). چراکه مادران؛ با باروری و تربیت، مهم‌ترین رسالت خلقت را به دوش می‌کشند؛ و درنتیجه:

- نوع نگاه به زن و نحوه رفتار با او و نوع تغذیه مادر؛ حداقل چهار روز قبل از انعقاد نطفه، بر شخصیت فرزند تأثیر دارد.
- نوع نگاه به زن و نحوه رفتار با او و نوع تغذیه مادر؛ در چهل هفته دوران بارداری بر شخصیت فرزند تأثیر دارد.
- نوع نگاه به زن و نحوه رفتار با او و نوع تغذیه مادر؛ در دوره دو ساله شیردهی، بر منش و شخصیت فرزند تأثیر دارد.
- نوع نگاه به زن و شیوه رفتار با او، در روحیات مادر اثر گذاشته و در بقیه دوران پنج‌ساله‌ی حق حضانت، بر نحوه رفتار با فرزند و شکل‌گیری خصلت‌های کودک تأثیر می‌گذارد.

۴- حفاظت از شأن پدری مرد

در اسلام شأن و جایگاه پدر و مادر، پس از شأن خدا ذکر شده: «أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ» (لقمان، ۱۴). و پدر دارای مقام ارجمند و چهره‌ای برجسته و مورد احترام است «وَوَالِدٍ وَمَا وَكَّدَ» (بلد، ۳). به طوری که بعد از توحید خداوند، احسان به والدین، واجب‌ترین واجبات است، همان‌طور که عاق والدین بزرگ‌ترین گناه کبیره بعد از شرک به خدا می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۳). پدر بودن و عهده‌داری سرپرستی خانواده، بخصوص در دنیای متلاطم و آشفته امروز، مسئولیتی خطیر است؛ و موفقیت در آن؛ مستلزم شخصیتی سالم، توانمند، رشد یافته، تلاشگر و آگاه به اهمیت مسئله تربیت و مهارت‌های زندگی است و این مهم، بدون داشتن فرهنگ صحیح و جامعه مقبول؛ و صیانت از حرمت و جایگاه پدری؛ بسیار دشوار می‌نماید.

ج - اصلاح کنش‌ها، قوانین و مقررات

۱. افزایش دانش و مهارت‌های همسری، والدینی و تربیتی زوجین

بر اساس منطق عقلانی و تجربی، موفقیت در هر کاری مبتنی بر دانش و مهارت است؛ یعنی «دانایی» و «توانایی»، از جمله در مسئله زوجیت و همسری و به‌ویژه پروراندن انسان در مهد خانواده که به مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تر است. از نوع نگاه به فرصت زندگی مشترک و جهت‌گیری اساسی آن و امانت‌داری و اجتناب از نگاه مالکانه (حبشی، ۱۴۰۰)؛ و پرهیز از بینش جزمی، تبادل عاطفی، حسن ظن، همگرایی و تفاهم (شرفی، ۱۳۸۹). احترام متقابل، مدارا و گذشت، وفاداری، صداقت و ... (قوام، ۱۴۰۱). گرفته؛ تا رعایت سه دوره هفت‌ساله در تربیت فرزندان (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳)؛ که مستلزم محیطی آکنده از محبت، امنیت، آزادی، نشاط، همراه با آموزش ادب و دانش زندگی، مسئولیت‌پذیری و قدرت انتخاب درست است؛ تا نسلی سالم، مستعد شکوفایی استعدادها، خودباور، خلاق و با عزت‌نفس بالا به وجود بیاید.

هر یک از والدین جایگاه ویژه‌ای در خانواده و تربیت دارند. علاوه بر آن، نحوه ارتباط با یکدیگر نیز نقش کلیدی در شکل‌گیری شخصیت سالم فرزندان دارند. بر اساس اقتضائات خاص روحی زن و مرد، رابطه پدر با مادر از سر محبت و رحمت و رابطه مادر با پدر سرشار از تواضع و احترام. از مهم‌ترین عوامل تعادل روحی فرزندان می‌باشد. چراکه؛ پدر ستون خانه و راه زندگی و مادر زیبایی خانه و چراغ زندگی می‌باشد. به تعبیر دیگر، پدر رئیس حقوقی خانه و مادر رئیس عاطفی خانه است. چون این دو رفتار، مطابق فطرت و طبیعت پاک انسان است و فرزندان در چنین خانواده‌ای پاسخ‌های طبیعی اقتضائات روحی خود را دیده و محیط برای آن‌ها آرامش‌بخش می‌شود.

از منظر صاحب‌نظران علوم تربیتی، احترام به پدر در خانواده، سبب رشد معنوی فرزندان نیز هست؛ چراکه این عمل، به‌منزله برنامه‌ریزی بلندمدت، برای آشنایی با مفهوم ولایت خدا و اهل‌بیت ^{علیهم‌السلام} بوده تا ولایت‌پذیری برای‌شان ملموس باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۰). همچنین وحدت رویه و هماهنگی بین پدر و مادر در تربیت کودکان، موجب اطمینان بیشتر به توانایی آنان می‌شود؛ اما بروز اختلافات و تضادهای رفتاری و گفتاری والدین، زمینه‌ساز اصلی تخریب شخصیتشان است.

۲. حفاظت از مشروعیت اموال، تغذیه و اولاد

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، گرایش‌های فطری سالم، سیره رفتاری صالحان و یافته‌های تجربی، انسان باید از حاصل دسترنج خود ارتزاق نماید، چراکه نوع تغذیه، در افکار، امیال و رفتار آدمی تأثیرگذار است؛ و غذا علاوه بر حلیت، طیب (موافق طبع سالم انسانی) و پاکیزه هم باشد «با توجه به رابطه بسیار تنگاتنگی که میان جسم و نفس وجود دارد همواره، تأثیر غذاها بر روحیات اخلاق انسانی مورد توجه دانشمندان بوده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷)؛ بنابراین، گرچه تغذیه، علت کامل اخلاق و رفتار انسانی نیست؛ اما تأثیرگذار می‌باشد. به نظر کارشناسان تغذیه، اگر بدن از نظر ترکیبات طبیعی خود متعادل باشد، خلق و رفتار هم متعادل می‌شود. در

مطالعه‌ای که روی ۳۰۰ نفر از مردم انگلستان انجام شد، تأثیر غذا بر سلامت ذهنی و روانی افراد، مورد مطالعه قرار گرفت. این تحقیق نشان داد: ۸۸ درصد افرادی که از رژیم‌های غذایی حمایت‌کننده خلق‌وخو استفاده کردند، از نظر ذهنی و روانی، وضعیت بهتری پیدا کردند (خبرآنلاین، ۱۳۸۸). البته تغذیه شامل غذای روحانی و جسمانی می‌شود؛ باید مراقب ورودی‌های خود بود؛ به توصیه قرآن کریم، انسان مأمور به دقت در تغذیه بوده «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ». (عبس، ۲۴)؛ و فکر و رفتار صالح، نتیجه خوراکی‌هاست (مؤمنون، ۵۱).

بر اساس پژوهش انجام‌یافته، مصرف غذاهای حرام و همچنین تغذیه با روزی غیر حلال، موجب عوارض متعدد جسمی و روانی در افراد گشته و حتی توفیق انجام اعمال صالح را نیز از وی صلب می‌کند. برخی مطالعات در خصوص تأثیر مولکول‌های مواد غذایی بر ساختار ژنتیکی افراد، نشان داده‌اند که مصرف ترکیبات غذایی سالم و حلال می‌تواند موجب بهترین پاسخ ژنتیکی شود. خوردن غذای حلال نه تنها اثرات مثبت فردی بر جسم و روح و رفتار انسان می‌گذارد، بلکه با حفظ امنیت اجتماعی موجب سلامت جامعه می‌گردد (محلوجی، ابراهیم‌زاده عطاری، ثقفی اصل و قربانی، ۱۳۹۹). روان سالم بدون جسم سالم میسر نیست و جسم هم بدون تغذیه نمی‌تواند سالم باشد، امروزه ثابت شده که تغذیه تأثیر مهمی بر اعصاب و روان انسان دارد (والی پور، بی‌تا).

اما غذای حلال و طیب علاوه بر پدر و مادر، در فرزندان نیز اثر داشته و در حق‌پذیری و قدرت تشخیص حق از باطل، تأثیر بسزایی دارد (فتحی، ۱۳۹۵). گرچه تأثیرش به صورت وراثت، تأثیری مهم است؛ اما زمینه‌ساز می‌باشد؛ نه علت تامه، غذای پاک با روح پاک بچه هماهنگی دارد؛ لذا تهیه‌ی غذای حلال به‌عنوان وظیفه‌ی والدین است. غذای طیب، حلال و عاری از هرگونه شبهه به انسان بصیرت، نیرو و قدرت عجیبی می‌دهد و انرژی‌های مثبت را در وجود او افزایش می‌یابد (خدادادی، ۱۳۸۶). عدم مشروعیت اولاد از راه‌های حرام، بمانند؛ فرزندان نامشروع و یا انعقاد نطفه و جنین از طریق تغذیه والدین از درآمد و مال حرام و یا غذاهای حرام یا شبه ناک (فتحی، ۱۳۹۵).

۳. تعادل و تناسب در حضور اجتماعی و اشتغال زنان

تردیدی در ضرورت حضور اجتماعی زن در مسائل سیاسی، عبادی و فرهنگی نیست، اما موضوع اشتغال زن در خارج خانه از مسائل چالش‌برانگیزی است که اگر به ابعاد مختلف آن توجه دقیقی نشود، استحکام خانواده را در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ اسلام برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و برای سلامت خانواده و پیشگیری از تزلزل آن دستورات فراوانی دارد. اشتغال زنان تا آنجا که به استحکام خانواده لطمه نزده و تربیت فرزندان را به خطر نیندازد، با رعایت حریم عفاف، توجه به روحیات و حفظ منزلت زن، بلا مانع است. امروزه در جامعه، به حضور زن در عرصه‌های خلاقیت و تولید علم و در حوزه آموزش، تربیت، مشاوره و مسائل پزشکی و بهداشت، به شدت نیاز هست، اما تحصیلات و اشتغال زنان ما بیشتر در رشته‌ها و موقعیت‌های دیگری است (فتحی، ۱۳۹۵).

۴. اصلاح سبک حضور اجتماعی (اختلاط بین زن و مرد)

بی‌شک، زن و مرد به‌عنوان عضوی از جامعه، حضور اجتماعی دارند؛ اما با توجه به تفاوت ساختاری بین زن و مرد، بخصوص، روحیه مطلوب‌گرانه و عشق صادقانه زن، ارتباطات زن و مرد باید «فراجنسیتی» و با پرهیز از اختلاط بی‌رویه باشد تا ضمن پیشگیری از ضربه‌های عاطفی و سرخوردگی‌های فردی، از خانواده و آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه شخصیت فرزندان، صیانت شود. چراکه؛ مادر (زن)، وجودی اثرگذار در انسان بوده و برخورد صحیح با زن، برخورد درست با هستی است؛ و عدم توجه مناسب به زن، موجب انحطاط نسل می‌شود (باهر، ۱۳۸۳). سنت جاری رسول خدا ﷺ نیز همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند، ولی همواره «حریم» رعایت می‌شده است (مطهری، ۱۳۹۸). لذا، عدم اختلاط در محیط‌های اجتماعی، برای این است که دل‌بستگی‌اش به مرد خودش بوده و به جایی نرسد که مرد خودش برایش عادی شده و اهمیتی نداشته باشد، این به ضرر زن‌هاست؛ چون بنیان خانواده را متلاشی می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷). از نگاه صاحب‌نظران، دل‌بستگی زن به شوهرش، مرد را عاشقش کرده و مایه آرامش او می‌شود؛ لذا، وحدت تعلق خاطر زن به مرد خانواده، محدودیت نیست، بلکه آزادی از تعلقات بیگانگان است.

حریم داری و رفتار عفیفانه، پوشش مناسب و پاک‌دامنی در ارتباطات؛ نشان کمال و احترام برای زن و مرد بوده و «زنی که برای خودش شخصیت قائل است، زنی است که هیچ مردی نمی‌تواند به او نگاه خریدارانه بکند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰). زن می‌بایست نقش زنانگی‌اش را همه جا بازی نکند؛ تا مرد را به این باور برساند که زنش در خارج از خانه، شریک او در سازندگی جهان است، نه تابلویی که نگریستن به آن، او را از سازندگی و پیشبرد کار جهان بازمی‌دارد (صدر، ۱۳۹۹). لذا پوشش برای بالابردن احترام اجتماعی زن است، با لباس برازننده و آبرومند نه جاذبه‌دار (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰).

۵. حل مشکل مجردان و مسئله تأخیر در سن ازدواج

به‌طور معمول، جوانان آمادگی زیستی و طبیعی در گرایش به جنس مخالف را دارند، اما آمادگی اجتماعی نیز لازم است؛ و با رسیدن به سن بلوغ، در صورت عدم تربیت صحیح، به انحرافات جنسی منجر می‌گردد. از منظر متخصصان امر، «با شروع جوانی - حدود ۱۹- سالگی، مرد نسبت به جنس مؤنث، سرشار از «شور عاطفی» می‌شود؛ و کمتر زمانی است که از فکر جنس دیگر رها باشد؛ اما از سن ۲۶ و ۲۷ سالگی، نوع افکار، نیازها و انگیزه‌اش؛ با تحول فکری و روانی، به سمت «ساختار زندگی»، مثل مسکن و رشد اقتصادی می‌رود. با تأخیر ازدواج از دوران شور عاطفی، ارزش حقیقی مرد؛ یعنی تأمین‌کنندگی در بعد عاطفی و حضور، کم‌رنگ می‌شود (حبشی، ۱۳۹۹). یکی از نیازهای جوان در دوران مجردی ازدواج است. نسبت به مجرد ماندن جوانان، جامعه و فرهنگ و مسئولان جامعه و والدین، (نور، ۳۱). مسئول بوده و باید پاسخگو باشند؛ و حتی خود جوانان نیز به خاطر نادیده انگاری فضل خدا تا حدی کوتاهی می‌کنند (نور، ۳۲)؛ چراکه خداوند تبارک و تعالی وعده داده است که اگر کسی ازدواج کرد و فقیر بود، او را بی‌نیاز می‌کند. از آنجایی که وعده خداوند حق است، تنها، کسی از ترس فقر و نادر شدن ازدواج نمی‌کند که به وعده‌های پروردگار بدبین و بدگمان است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳). البته لازمه تحقق وعده الهی، تلاش انسان برای کسب‌وکار و به دست آوردن روزی است؛ و به‌طور طبیعی یک جوان پس از ازدواج، مسئولیت بیشتری در قبال خود و همسرش احساس کرده و بر کار و تلاش خود می‌افزاید. چراکه رسول خدا ﷺ فرمود: «هر که از ترس تنگدستی ازدواج نکند، از ما نیست» (متقی، ۱۴۱۹).

یأس و ناامیدی، افسردگی، بروز خلأها و سرخوردگی‌های عاطفی و روانی، احساس تنهایی و گسترش فساد و فحشا از جمله تبعات فردی و اجتماعی نامطلوب تعویق در ازدواج است که در حال حاضر به یک هشدار جدی اجتماعی تبدیل شده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳). پژوهش‌های جامعه‌شناسان و روانشناسان حاکی از ارتباط مثبت سلامت روان و ازدواج هست. مطالعات اداره بهداشت عمومی آمریکا در سال ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که بین سلامت روانی و ازدواج، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد در وضعیت بهتری از سلامت روانی قرار دارند. نشانه‌های نوروتیکی در مقایسه، کمتر در آن‌ها دیده می‌شود و درصد کمتری از آن در بیمارستان‌های روانی بستری‌اند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹). تغییر نگرش جوانان، ناهنجاری‌ها در حوزه ازدواج، کمال‌گرایی در انتخاب همسر و شرایط نامناسب اقتصادی از جمله عوامل افزایش ناخواسته ازدواج نیز می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۸).

۶. جلوگیری از فساد بذر نسلی

از تعبیر کشتزار قرآن کریم در امر روابط زناشویی (بقره، ۲۲۳). استفاده می‌شود که زن و مرد حاوی بذری هستند؛ زامه مرد -یاخته‌های جنسی نر بالغ که مامه را بارور می‌کند- و یاخته زایشی ماده -تخمک- که پس از لقاح به تخم تبدیل شده و موجودی مشابه همان‌گونه را به وجود می‌آورد (واژه‌یار، بی‌تا)؛ و فرزندان محصول این بذرها می‌باشند. لذا صیانت - کمی و کیفی- از این بذرها، با تغذیه صحیح و ارگانیک، سبک زندگی و ارتباط سالم، وظیفه عقلانی و انسانی افراد و حاکمیت سیاسی جامعه است. تا نسلی پاک و سالم و جامعه‌ای مطلوب یا مقبول به وجود بیاید.

۷. خیزش بر علیه نسل کشی خاموش (سقط‌جنین)

بی‌شک یکی از مشکلات پیش روی بشر امروز، مسئله قتل جنین - عمدی غیر درمانی- است؛ که نوعی نسل‌کشی خاموش بوده؛ و هرروز دامنه آن گسترده و بیشتر می‌شود؛ و اگر در برهه‌ای از زمان، دختر کشی مطرح بوده، (تکویر، ۹). متأسفانه، در عصر کنونی،

شاهد قتل نفس مدرن هستیم؛ که دختران و پسران را با عنوان سقط‌جنین می‌کشند؛ و به مصداق: «و هرگاه به قدرت و حکومت رسد برای فساد در زمین و نابودی زراعت‌ها و نسل کوشش می‌کند...» (بقره، ۲۰۵). حق حیات را با شعار آزادی، از جنین گرفته و به‌عنوان نمادی از «حق زنان» برای کنترل بدنشان در نظر گرفته می‌شود. البته پیام آیه فراتر از این بوده و شامل مواد غذایی، دارو و تغییرات ژنتیکی و غیره نیز می‌شود. قوام و بقای زندگی موجودات به زراعت و غذا «حرث» و قوام و حفظ نوع بشر از انقراض، به‌واسطه «نسل» است؛ و خداوند دین را برای صلاح اخلاق و اعتدال در انسانیت تشریح نموده و تاریخ شهادت می‌دهد که چگونه مفسدین و سلاطین برای هواهای نفسانی خود شریعت و احکام الهی را تغییر داده و در زمین باعث فساد شده‌اند (طیب، ۱۳۸۶).

سقط‌جنین که از بین بردن بافت حاملگی، جنین و جفت از رحم؛ قبل از موعد طبیعی وضع حمل است. بر اساس یافته‌ها، شواهد و قراین موجود، نتیجه سبک زندگی غلط و نگاه اومانستی به زندگی می‌باشد و در دنیا، به خاطر درهم تنیدگی با موضوعات اخلاقی، اعتقادی، خانوادگی و غیره، بیشتر، ماهیتی زیرزمینی پیدا کرده، لذا ارائه آمار رسمی ممکن نیست، اما بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، هر ساله در جهان ۴۰ تا ۵۰ میلیون سقط‌جنین اتفاق می‌افتد. در ایالات متحده آمریکا که تقریباً نیمی از بارداری‌ها ناخواسته است؛ از هر ده مورد چهار مورد با سقط‌جنین خاتمه می‌یابد (خبر آنلاین، ۱۳۹۹). چراکه با نسلی مواجه شده‌ایم که حقوق و تکالیف خود، خانواده و اجتماع را در قاموس خلقت و خدا نمی‌دانند، جنین را بی‌جان و فاقد حیات انسانی پنداشته، خود را به‌عنوان مادر، مجاز به اتخاذ هر تصمیمی پیرامون حیات جنین می‌دانند، قبح فعل قتل نفس را با تکرار واژه سقط تقلیل داده و بی‌توجهی قانون و مسائل اقتصادی یا دلایل فرهنگی نیز در این زمینه تأثیر سوء داشته است.

دلایل و آمارهای پزشکی، اثبات می‌کنند که برخلاف ادعای موافقین، سقط‌جنین موجب بالا رفتن امراض جسمانی و اختلالات روانی- رفتاری برای زنان می‌گردد. عفونت و خونریزی، انسداد جریان خون، شکاف رحمی، عوارض بیهوشی، تشنج، خون‌روش، جراحات‌های گردن رحمی و آسیب‌های مربوط به غدد. خطر ابتلا به سرطان سینه ۵۰ درصد بیشتر از سایر زنان، از شایع‌ترین عوارض مهم جسمی بوده و خروج از دایره اخلاق، قطع حیات دیگری، زیر سؤال رفتن هویت مادرانه، کاهش توان‌بخشی و اختلالات روانی ناشی از سقط‌جنین، زاناه شدن فقر (بلالی، ۱۳۸۲)؛ و بردگی برای مردان خودکامه، از جمله زیان‌های روانی و اجتماعی می‌باشد.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

خطری که در جهان امروز، نسل بشر را تهدید می‌کند، تقدس‌زدایی از کانون خانواده است. سران استکبار؛ در همسویی با اهداف شیطان و به‌عنوان دولت اهریمن، فداست خانواده را که مانع اساسی در برابر مطامع و خواسته‌های فراگیر و نامشروع خود می‌بینند، با همه توان، در جهت تقدس‌زدایی از آن، فرهنگ‌سازی می‌نمایند. به‌طوری که بحران فساد اخلاقی و فروپاشی خانواده؛ یکی از سه بیماری عمده تمدن غرب است که طلاق به ۶۰٪ رسیده و به دیگر کشورها نیز سرایت کرده است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۹۲). تلاش برای به رسمیت شناختن خانواده‌های هم‌جنس، زوج‌های هم‌خانه و خانواده اشتراکی گُمونی، گسترش عکس‌ها و فیلم ضد اخلاقی در جامعه و زمینه‌سازی علمی فرهنگ تقدس‌زدایی، (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸). در همین راستاست. درحالی‌که خانواده، سنگ بنای جامعه انسانی بوده و در استحکام روابط اجتماعی و رشد اعضای جامعه، نقش بنیادین داشته و زمینه را برای سلامت اخلاقی، امنیت اجتماعی و سعادت عمومی فراهم می‌سازد. چراکه عامل اجتماعی‌کننده و منتقل‌کننده اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی بین نسلی بوده و در حمایت‌های عاطفی و معنوی و پرورش توانایی‌های بالقوه افراد نقش بسزایی دارد. لذا با تشکیل خانواده، انحطاط، سرگردانی، طغیان، تجاوز جنسی و شیوع بیماری‌های خطرناک جنسی به طرز چشمگیری کاهش می‌یابد. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی و پژوهش کانون‌های اصلاح و تربیت ایران، بیشتر افرادی که به‌نوعی به انحراف کشیده می‌شوند از فضای گرم و عاطفی خانواده، محروم بوده و آغوش پدر و مادر را تجربه نکرده‌اند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۹).

علی‌رغم شعار حمایت از زنان و کودکان در تفکر اومانیستی؛ که زنان را به عرصه اجتماع فراخوانده و از سویی، نقش‌های فطری و عاطفی والدین، به چالش کشیده است، اندیشمندانی با فکر بیدار به نقد این وضعیت فاجعه‌بار پرداخته و با آرایه آمارهای تکان‌دهنده از نقض حقوق زنان و کودکان در کشورهای اروپایی و آمریکا؛ نقاب از چهره واقعیت فرهنگ غربی برداشته‌اند (سیدل، گاردنر، کنیز و رسبری، ۱۳۸۹). خدای متعال در حکمت ازدواج، «آرامش روانی» را مطرح کرده؛ که بدون آن، تحقق اهداف خلقت، انتظار تقوا از جوان، وجود نسل سالم و صالح، سازندگی اخلاقی و اجتماعی، گسترش ارزش‌های دینی و آرمان توحیدی. امکان‌پذیر نیست. چراکه کاوش‌های میدانی نشان می‌دهند که اضطراب روانی و عدم تعادل روحی، نقش عمده‌ای در فسادهای اخلاقی و اجتماعی دارد و بیشتر جنایات و خودکشی‌ها مربوط به مجرّم‌ها می‌باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷). بر اساس تحقیقات افسردگی مهم‌ترین بیماری در بین بزرگسالان بوده و در حال افزایش است و در آینده‌ای نزدیک، در رده اولین بیماری در جهان قرار خواهد گرفت (نوربالا، ۱۳۹۰). سازمان جهانی بهداشت، در گزارش بهداشت روان خود اعلام کرده که نزدیک به یک میلیارد نفر در دنیا با یک اختلال روانی زندگی می‌کنند؛ و امروزه ۲۵ درصد از مردم جهان دچار یکی از اختلالات روانی هستند (خبرگذاری ایسنا، ۱۴۰۰).

نظام آموزشی و فضای رسانه‌ای، جوانان را در نقش والدینی تربیت نمی‌کنند؛ که نشانه غفلت از کارکرد خانواده و جایگاه حقیقی والدین در تربیت و سازندگی آینده کودکان دارد. همچنین امروزه به‌مثابه دفاع از مظلوم، نیازمند احیای جنبش‌های مقابله با توحش و جهل مدرن در باب سقط‌جنین هستیم تا سازوکار اجرایی تداوم این حرکت‌ها، موجب تربیت دختران و پسرانی مسئول و متعهد شده تا در جایگاه والد بتوانند رفتاری بالغ و انسانی از خود بروز دهند. یکی از مهم‌ترین علل گرایش زنان به اشتغال، تفاوت امتیازهای اجتماعی زنان شاغل و خانه‌دار است. در دهه‌های اخیر، با القائات رسانه‌های داخلی و خارجی و شیوع فرهنگ فمینیستی، زن خانه‌دار را فردی بی‌فرهنگ و مادون شأن زن شاغل به تصویر کشیده‌اند. این القائات، آرامش و سعادت وی را به اشتغال تمام‌وقت حتی با درآمدی ناچیز، پیوند می‌زند. امروزه اوج حکومت ابلیس، سلب مشروعیت از اموال و اولاد انسان، بخصوص با دامن زدن به موضوع اختلاط بین زن و مرد است؛ و این امر مسئولیت همگانی، بخصوص والدین و وظایف سنگین مسئولان را در ایجاد بستر تأمین معیشت حلال و تربیت مطلوب فرزندان و زدودن زمینه‌های حرام و شبهه‌ناک بیشتر می‌کند.

بر اساس پژوهش‌ها، یکی از عوامل ضعف خانواده‌ها، کاهش نقش پدر در خانواده است. کودکانی که در غیبت پدر پرورش یافته‌اند، زمینه‌های بروز بزهکاری در آنان بیشتر است؛ اما کودکانی که از همراهی پدر برخوردار بوده‌اند، ضمن داشتن روابط عمیق‌تری با دوستان، دارای مهارت خودکنترلی در هیجانات؛ و تشخیص احساسات و عواطف دیگران بوده‌اند؛ و علاوه مسئولیت‌پذیری و رفتار مسئولانه، کمتر دیگران و شانس و «اقبال بد» را منشأ مشکلات رفتاری خود مطرح کرده‌اند. خانواده‌هایی که مادر مسلط و پدر منفعل بوده؛ مشکلاتی را برای پسران به وجود آورده و دختران نیز در ارتباط با مردان و تشکیل خانواده بیشتر دچار مشکل شده‌اند (کميجانی، ۱۳۸۶)، لذا خانواده به‌عنوان سلول جامعه، همواره باید پاسداری شود. چون سلامت و تداوم نسل بشری وابسته به نهاد خانواده بوده و سلامت و تداوم آن، در گرو پایداری و فراگیر شدن عفت در جامعه می‌باشد. پس جامعه مطلوب با خانواده مطلوب شکل می‌گیرد؛ و محبوب‌ترین کانون در نزد خداوند منان است.

۴- پیشنهادات

- ۱- هر دوره و زمانی جهاد خاص خود را می‌طلبد و امروزه مقدس‌ترین جهاد جامعه ما، سوق دادن سرمایه‌های مادی و معنوی به‌سوی ازدواج جوانان و ترویج فرهنگ ازدواج آسان است.
- ۲- ایفای شایسته نقش زن در خانواده، آثار مثبت تربیتی برای فرزندان، پایداری خانواده، تثبیت هنجارهای اجتماعی و ... دارد، لذا از راه‌های مؤثر در کاهش اجبار زنان در ورود به بازار کار، ارزش‌گذاری ویژه برای خانه‌داری، افزایش کیفیت خانوادگی ایرانی، حمایت از مشاغل خانگی، دورکاری، اشتغال پاره‌وقت و خانواده‌های بی‌سرپرست می‌باشد.

- ۳- شغل زنان باید متناسب با ویژگی‌ها، توان و قدرت طبیعت و لطافت جسمی و روحی آنان بوده و عرصه‌های اشتغال، به گونه‌ای باشد تا حیا و آرامش زن در معرض خطر و تغییر قرار نگرفته و ملازم با خلوت یا اختلاط زن و مرد نباشد.
- ۴- از آنجایی که منزل محل زندگی، تربیت، رشد مادی و معنوی فرزندان است و مادر به لحاظ ویژگی‌های تکوینی مهر و عطف، خیرخواهی، احساس و لطافت، کامیاب‌تر به تربیت فرزندان است، لازم است تربیت فرزندان به مادر سپرده شود. این امر اقتضا دارد که مرد هزینه‌های زندگی را تأمین کند. لذا در فرصت‌های شغلی، اختصاص اولویت به مردان قابل دفاع است. چون وقتی زمینه‌های اشتغال مردان فراهم شود، به‌طور طبیعی یکی از موانع ازدواج مرتفع شده و با گسترش ازدواج و تشکیل خانواده، شدت تقاضای کار نیز -که امروزه یک معضل ملی است- کاهش می‌یابد.
- ۵- اصلاح و تدبیر قوانین اشتغال: معمولاً اشتغال تمام‌وقت برای زنان متأهل، باعث وارد شدن فشارهای روحی و روانی، سست شدن روابط عاطفی، تضعیف استحکام خانواده و ... می‌شود. لذا با برنامه‌ریزی مناسب باید تعداد زنان متخصص به‌قدری فراوان شود تا با اختصاص وقت کم‌تری، نیازهای تخصصی جامعه برطرف شده و بتوانند وقت بیشتری را به امور منزل و تربیت فرزندان و وظیفه‌های همسری بگذارند.
- ۶- اصلاح برنامه‌های آموزشی، تحصیلی و تربیتی بانوان؛ به گونه‌ای که پس از اتمام تحصیلات بتوانند در شغل‌هایی که متناسب با ویژگی‌های فطری و تکوینی آنان است، فعالیت کنند. در این صورت، خروجی فعالیت اقتصادی آنان نیز مطلوب خواهد بود.
- ۷- تبیین اجر بزرگ جهادگری برای تلاشگران عرصه ازدواج و بذل مال و فراهم‌سازی تسهیلات ازدواج سالم جوانان و فرهنگ‌سازی پیشگامی و وساطت در تزویج مجردان. به‌منظور صیانت دین جوانان و آلودگی از گناهان. امام علی علیه السلام فرمود: «بهترین وساطت این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود؛ تا سروسامان بگیرند» (کلینی، ۱۴۰۷). و امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مجردی را متأهل نماید، از جمله کسانی است که خداوند عزوجل در قیامت به او نظر رحمت می‌افکند» (حر عاملی، ۱۴۰۱).
- ۸- پروژه ملی تسهیلات ویژه ازدواج با ایجاد صندوق ویژه ازدواج و تدوین لایحه اختصاص بخشی از درآمدهای ناشی از جرائم و توقیف اموال و مواردی از این دست، به وام بلاعوض و یا بی‌بهره به امر ازدواج جوانان؛ و فرهنگ‌سازی مناسب جهت جلب مشارکت عمومی و حمایت از این صندوق. با تبیین شایسته کارکرد این سنت حسنه.
- ۹- اصلاح فرهنگ و سنن غیر فطری جامعه، با رویکرد واقع‌بینانه و ساده‌زیستانه خانواده‌ها و عدم تبعیت از مدگرایی و کلاس و تبلیغات و چشم هم‌چشمی و نظر دیگران و فرهنگ اصلاح نمی‌شود مگر اینکه از جایی شروع شده و به جریانی تبدیل شود؛ و جریان‌سازی کار رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی اجتماعی دولتی و مردمی است. به‌درستی بسیاری از مشکلات اجتماعی با دلسوزی و تدبیر مسئولان و همراهی مردم و خود جامعه هدف (جوانان) به‌راحتی قابل حل است.
- ۱۰- تسریع در امر اشتغال جوانان، چراکه اشتغال ایجاد بستر ازدواج جوانان است؛ و این یعنی رسالت سنگین صاحبان سرمایه و مدیران جامعه.

۵- تقدیر و تشکر

از همه صاحب‌نظران، مربیان و اندیشمندانی که از زحمات و آموخته‌هایشان بهره‌برده و توشه راه کردیم؛ همچنین از تمامی دردمندانی که دغدغه زندگی داشته و به سرنوشت جامعه بی تفاوت نیستند و با سرمایه عشق به انسان، در بیان مشکلات و مسائل جامعه و نشر راهکارها، پیشگام بوده و هراسی به دل ندارند.

۶- منابع

- ۱- ابراهیمی، ح. (۱۳۸۸). ضرورت حل مسئله ازدواج جوانان با نگاه ویژه و کلان. خبرگزاری دانشجو. برگرفته از : <https://snn.ir/fa/news/30184/>
- ۲- ابراهیمی، ف. (۱۳۹۹). حق تشکیل خانواده از منظر اسلام، ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران. برگرفته از: <https://humanrights.eadl.ir/news/articleType/ArticleView/articleId/2704>
- ۳- ابن بابویه، م. ع. (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. دفتر انتشارات اسلامی. قم.
- ۴- انصاریان، ح. (۱۳۸۰). *نظام خانواده در اسلام*. ام ابیها علیها السلام. قم.
- ۵- ایسنا، ۱۳۹۹، کد خبر: ۹۹۰۶۱۸۱۳۹۰۱.
- ۶- باهر، ح. (۱۳۸۳). *رفتارشناسی جوانان معاصر*. انتشارات خیام. تهران.
- ۷- بستان، ح. (۱۳۹۶). *جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
- ۸- بلالی، ا. (۱۳۸۲). زنان و پیامدهای سقط جنین. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲، ۱۵۲-۱۶۲.
- ۹- حاتمی، ز. (۱۳۸۸). تناسب بین توانمندی ها و وظایف زن و مرد، *مطالعات قرآنی نامه جامعه*، ۶۲، ۵۳-۶۲.
- ۱۰- حاجی ده آبادی، م. ع.، و حسینی زاده، ع. (۱۳۹۱). *بررسی مسائل تربیتی جوانان*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. تهران.
- ۱۱- حبشی، ح. (۱۳۹۹). *کتاب ازدواج*. ج ۱. دفتر نشر معارف. قم.
- ۱۲- حبشی، ح. (۱۴۰۰). *کتاب زندگی*. ج ۱. دفتر نشر معارف. قم.
- ۱۳- حر عاملی، م. ح. (۱۴۰۱). *وسایل الشیعه*. مکتبه الاسلامیه. تهران.
- ۱۴- حسین زاده، ع. (۱۳۹۱). تفاوت های زن و مرد نقش و کارکرد آن. *معرفت*، ۲۱ (۱۷۴)، ۶۱-۷۱.
- ۱۵- حسینی بهشتی، س. م. (۱۳۹۰). *سه گونه اسلام*. بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی. تهران.
- ۱۶- حسینی خامنه ای، س. ع. (۱۳۷۷). <https://farsi.khamenei.ir>
- ۱۷- حسینی خامنه ای، س. ع. (۱۳۸۰). <https://farsi.khamenei.ir>
- ۱۸- حسینی خامنه ای، س. ع. (۱۳۸۶). <https://farsi.khamenei.ir>
- ۱۹- خبرآنلاین. (۱۳۸۸). چگونه با تغذیه صحیح خلق و خوی بهتری داشته باشیم. برگرفته از: <https://www.khabaronline.ir/news/46602/>
- ۲۰- خبر آنلاین. (۱۳۹۹). بالاترین نرخ سقط جنین مربوط به کدام کشور است؟ برگرفته از: <https://www.khabaronline.ir/news/1428708>
- ۲۱- خبرگزاری تسنیم. (۱۳۹۳). ضرورت، اهمیت و کارکردهای ازدواج از نگاه دین. برگرفته از: <https://tn.ai/524031>
- ۲۲- خدادادی، ج. (۱۳۸۶). *پانزده روز تا سلامتی*. سهروردی. تهران.
- ۲۳- ساروخانی، ب. (۱۳۹۸). *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*. نشر سروش. تهران.
- ۲۴- سالاری فر، م. ر. (۱۳۹۶). *خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
- ۲۵- سمیعی، م. (۱۳۹۴). *خانواده در بحران*. نشر اطلاعات. تهران.
- ۲۶- سویزی، م. (۱۳۸۷). *خانواده کارآمد و متعالی*. انتشارات نیستان. تهران.
- ۲۷- سیدل، ر.، گاردنر، و.، کنیز، ف.، و رسبری، و. (۱۳۸۹). *وای وای اروپا و آمریکا!!! (سلسله مقالات انتقادی پیرامون وضعیت زنان و کودکان، خانواده، فرهنگ، مذهب، سیاست و قانون)*. ترجمه ذکاوتی، ف.، پور علمداری، پ.، و میراسلامی. دفتر نشر معارف. قم.
- ۲۸- شرفی، م. ر. (۱۳۸۹). *خانواده متعادل*. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران.
- ۲۹- صدر، م. (۱۳۹۹). *زن و چالش های جامعه*. انتشارات موسسه امام موسی صدر. تهران.
- ۳۰- ضمیری، م. ر. (۱۳۸۵). نیم نگاهی به آسیب شناسی خانواده. *معرفت*، ۱۰۴.

- ۳۱- طباطبایی، م. ح. (۱۳۹۳). *المیزان*. دفتر نشر اسلامی. قم.
- ۳۲- طیب، ع. (۱۳۸۶). *اطیب البیان*. سبطين. قم.
- ۳۳- عمید، ح. (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی*. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- ۳۴- غلامی، ع. (۱۳۸۸). *زن، مرد، تفاوتها، تارنمای پژوهش*. پژوهشکده باقرالعلوم. قم.
- ۳۵- فتحی، ا. (۱۳۹۵). *به رنگ فرهنگ*. باغ رضوان. اردبیل.
- ۳۶- قرآن کریم.
- ۳۷- قوام، س. ع. (۱۴۰۱). *خانواده موفق*. موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. تهران.
- ۳۸- کلینی، م. ی. (۱۴۰۷). *الکافی*. دارالکتب الإسلامیه. تهران.
- ۳۹- کمیجانی، م. ح. (۱۳۸۶). ب مثل بابای دوست داشتنی من. برگرفته از: <https://vista.ir/article/299012>
- ۴۰- متقی، ع. ح. (۱۴۱۹). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. دارالکتب العلمیه. لبنان.
- ۴۱- مجلسی، م. ب. (۱۳۸۵). *بحار الانوار*. دارالکتب الاسلامیه. تهران.
- ۴۲- محلوجی، س.، ابراهیم‌زاده عطاری، و.، ثقفی اصل، م.، و قربانی، ا. (۱۳۹۹). تأثیر تغذیه حلال و پرهیز از غذاهای حرام بر سلامت جسمی، روانی و اخلاقی انسان از دیدگاه قرآن، سنت و احادیث ائمه اطهار. *قرآن و طب*، ۵(۳)، ۳۵-۴۰.
- ۴۳- محمدی ری شهری، م. (۱۳۸۸). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه شیخی، ح. ر. دارالحدیث. قم.
- ۴۴- مطهری، م. (۱۳۹۸). *مسأله حجاب*. صدرا. قم.
- ۴۵- معین، م. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. انتشارات زرین. تهران.
- ۴۶- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن*. انتشارات امام علی. قم.
- ۴۷- نصوری، م. ر. (۱۳۹۶). شاخصه‌های خانواده مهدوی در عصر غیبت. *روزنامه قدس*، کد خبر ۵۸۴۵۶۳.
- ۴۸- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۷۹). خانواده معاصر گونه‌شناسی و مشکلات آن. *کتاب نقد*، ۱۷، ۱۱۰-۱۱۷.
- ۴۹- نوربالا، ا. ع. (۱۳۹۰). سلامت روانی - اجتماعی و راهکارهای بهبود آن. *مجله روان پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۱۷(۲)، ۱۵۱-۱۵۶.
- ۵۰- الهی قمشه‌ای، م. (۱۳۹۲). *گزیده اشعار حکیم قمشه‌ای بانضمام خاطرات، مصاحبه با مرتضی الهی قمشه‌ای*. نشر علم. تهران.
- ۵۱- واژه‌یار. بی‌تا. سامانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی. برگرفته از: <http://vajeyar.apll.ir>
- ۵۲- والی‌پور، م. بی‌تا، اثر تغذیه سالم بر سلامت جسم و روان. برگرفته از: <http://www.drvalipour.ir/index.php?ToDo=ShowArticles&AID=5285>

Protection of Social Dignity and Parental Role of Youth and the Foundation of the Family in Today's Era

Amin Fathi*

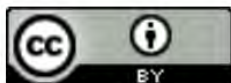
Assistant Professor, Qur'an and Hadith Department, Islamic Studies, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

amin.fathi45@gmail.com

Abstract

Peace is one of the main virtues of marriage. Field research shows the increase of social corruption in the world due to anxiety and depression. There is no doubt about the necessity of women's social presence. But if the various dimensions of this presence are not paid attention to, the strength of the family will be endangered. The personality of the fetus is influenced 50% by the mother and 25% by the father. Therefore, the preservation - quantitative and qualitative - of these seeds is the rational and humane duty of individuals and the political government. Today, the peak of Iblis' rule is delegitimization of property and children and the destruction of human beings in the name of abortion. By creating a platform for forbidden and suspicious food and by fueling the issue of mixing between men and women, today's danger for the human race is the desecration of the family institution and the social degradation of men and women and the role of fathers and mothers of the youth. Therefore, modification of insight, tendency and action strategies and lifestyle and reducing the effects of feminist culture and practical suggestions it is necessary.

Keywords: Family, Marriage, Young people, Dignity of men and women, Chastity.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)